

## پیشگفتار مؤلف

گزینش مختصری از گنجینه غنی و ارزشمند آثار مکتوب زبان و ادبیات فارسی که بتواند تاحدی معرف نبوغ، ابتکار، هنر، ذوق، اشتیاق و شیوه تفکر و اندیشه ادیبان پارسی‌گوی در طول تاریخ سیطره معنوی زبان و ادبیات فارسی باشد، چندان ساده نمی‌نماید؛ زیرا تمامی آنچه از میراث ادبی قوم ایرانی رنگ ماندگاری به خود گرفته و از خطر نابودی جسته است، به وسعت جهانی از شگفتیها و زیباییهاست که همه آن دیدنی و ارزیدنی است و تفرُّج در گوشه‌ای از این زیباییها، مشتاقان را از تماشای قسمت اعظمی از آن بی‌نصیب نیاز می‌سازد؛ اما به قول جلال‌الدین محمد بلخی:

آب دریا را اگر نتوان کشید                      هم به قدر تشنگی باید چشید

متن حاضر اولین جلد از مجموعه ده جلدی متون نظم و نثر فارسی از ابتدا تا امروز است که به عنوان متن درسی برای دانشجویان غیر ایرانی رشته زبان و ادبیات فارسی در نظر گرفته شده است. این کتاب دربردارنده «شعر فارسی از آغاز تا پایان قرن ششم هجری» است که امید است با فراهم شدن مجلدات بعدی این مجموعه، گزینشی از زبده‌ترین متون نظم نثر فارسی به مشتاقان عرضه گردد. در گزینش و معرفی این کتاب، ذکر چند نکته ضروری است:

۱. کوشش شده ضمن معرفی بعضی از سرآمدان شعر فارسی و نمونه‌هایی از آثار آنان براساس سیر تاریخی و انواع ادبی، مخاطبان با فضای فکری و ادبی شاعران این دوره آشنا شوند.

## ۲ □ شعر فارسی از آغاز تا قرن ششم هجری

۲. به جهت اختصار، از توضیحات زاید بر متن - بجز معنی تعدادی از واژه‌ها در پی نوشت - اجتناب شده است.

۳. با توجه به نوع مخاطب این اثر (دانشجویان غیر ایرانی)، پاره‌ای از واژه‌ها حرکت گذاری شده و بسیاری از واژه‌ها و ترکیبها در پی نوشت معنی شده است که ممکن است برای دانشجوی ایرانی ساده باشد.

۴. در تدوین و تنظیم این کتاب، از منابع متعددی بهره جسته‌ایم که در کتابنامه به اَهمّ آنها اشاره شده است.

در پایان شایسته است از آقای حسین میکائیلی دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس که در تهیه نمونه‌های شعری و پاره‌ای توضیحات متن، نگارنده را یاری رسانده‌اند تشکر و قدردانی کنم. بعلاوه از کلیه همکاران و اعضای هیأت علمی مرکز تحقیقات و گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، بویژه جناب آقای دکتر غلامحسین غلامحسین زاده که در شکل‌گیری و هدایت این اثر مشوق اینجانب بوده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم. ابراز هرگونه پیشنهاد و انتقاد در بهبود این اثر، موجب خرسندی و قدرشناسی مؤلف خواهد بود.

ناصر نیکویخت

تابستان ۱۳۹۱

«ممکن است کسی که همه کشورهای آسیا را درنور دیده، در همه آنها به سیاحت پرداخته و با مردم آنها درآمیخته است، از فلسفه هند سرمست گردد، از عظمت چین به حیرت افتد و از نبوغ ژاپن به شگفت آید؛ ولی بی‌گمان از هنر ایران مسحور خواهد شد... و این ملت که در همه هنرها تا سرحد کمال درخشیده، به یکی از آنها بیشتر دل بسته است، و آن شعر و ادب است.» (آپل بونار، شاعر معاصر فرانسوی،

## مقدمه

زبان و ادبیات هر ملتی، حافظه تاریخی ادب آن ملت است؛ زیرا آنچه در زندگی ملتها در گذر تاریخ رخ داده، در آثار مکتوب آنان منعکس شده است. همچنین ادبیات را آینه تمام‌نمای فرهنگ و تمدن ملتها دانسته‌اند. مسائلی مانند شیوه زندگی، طرز تفکر، آداب و رسوم، اندیشه‌های مذهبی، باورهای عامیانه، پیروزی‌ها، شکست‌ها، نحوه بروز عواطف و احساسات، سپاسگزاری‌ها، شکوه‌ها و گلایه‌ها، برپایی شادی‌ها و غمها و خلاصه همه آنچه نمود زندگی است، در ادبیات ملتها جلوه‌گر است.

مطالعه ادبیات ملتها، ما را با شیوه تفکر، رفتار و منش اجتماعی و طرز سلوک با دیگران، بیان ذوق و شوق و عواطف و احساسات آنان آشنا می‌سازد؛ بنابراین ادبیات را باید محصول جهان‌بینی، آرمانها، علایق، دل‌بستگیها، دوستیها، کینه‌ها و

#### ۴ □ شعر فارسی از آغاز تا قرن ششم هجری

دستمایه اندیشه و تفکر هر ملت دانست که می‌تواند ما را با زوایای آشکار و پنهان فرهنگها و تمدنها آشنا سازد.

از طرف دیگر، ادبیات نوعی خلاقیتِ ذهنی است که خالق آن می‌کوشد با قدرت تفکر و تخیل، به کشفی تازه از طبیعت دست یابد و ما را به سرچشمه زیباییها و خاستگاه و خالق آنها سوق دهد. ادبیات، تبیین‌کننده زیباییهاست. معرفت و شناخت زیبایی و لذت بردن از آن را در وجود آدمی قوت می‌بخشد. قدرت ابتکار و خلاقیت ادیب، موجب می‌شود که شناخت عمیق، کامل، غنی و آگاهانه‌تری از زندگی به دست آوریم؛ اما همه آنچه ادبیات می‌تواند به ما ببخشد، در قالب زبان عینیت و تحقق می‌یابد. آدمی در قالب زبان می‌اندیشد، و زبان در اندیشیدن، گوش دادن، سخن گفتن و نوشتن متجلی می‌شود. پس زبان و ادبیات را می‌توان دو عنصر اصلی فرهنگ و تمدن بشری محسوب کرد. در پاره‌ای ملل مانند ایران، زبان و ادبیات فارسی چنان در یکدیگر گره خورده‌اند که تعریف یکی بدون دیگری ممکن نیست، زیرا غنای ادبیات فارسی، مدیون ظرفیت والای زبان فارسی، و ماندگاری زبان فارسی، مدیون اندیشه و بار معنوی ادبیات فارسی است.

#### فرهنگ و تمدن ایرانی

فرهنگ و تمدن ایرانی، یکی از کهن‌ترین و عظیم‌ترین فرهنگها و تمدنهای بشری است و بدون شک، کمتر ملتی مانند ایرانیان دارای سابقه ممتد فرهنگی و ادبی و هنری است. مظاهر ذوق و هنر و کمال ایرانی در طول حیات خود در نقاشی، تذهیب، خطاطی، حجاری، مجسمه‌سازی، گچبری، معماری، قالببافی، پارچه‌بافی، میناکاری، میناگری، کاشی‌سازی، علوم و فنون موسیقی، ریاضی، طب، نجوم، کیمیا و آفرینش آثار متعدد ادبی و هنری در ادوار مختلف نمود یافته و بر غنا و قوام فرهنگ و تمدن ایرانی افزوده است. این تمدن باشکوه، تأثیری بسزا در رشد و بالندگی دیگر تمدنها و فرهنگهای بشری داشته است. بسیاری از تمدنهای باشکوه بشری در داد و ستد علمی، تجاری، فرهنگی، ادبی و حتی دینی، وامدار تمدن عظیم ایرانی هستند. ایرانیان پس از آشنایی و پذیرش اسلام، در مقام ملتی فرهیخته به ندای نجاتبخش این مکتب الهی لبیک گفتند و در گسترش و اشاعه آن در

جهان، بویژه شبه قاره هند و پاکستان، سهم عمده‌ای داشته‌اند.

## زبان و ادبیات ایرانی

زبان و ادبیات ایرانی از پشتوانه غنی فرهنگی و قدمت تاریخی بسیار طولانی برخوردار است. در بررسی زبان و ادبیات فارسی، عموماً آن را به دو دوره تاریخی قبل و بعد از اسلام تقسیم می‌کنند. متأسفانه از آثار قبل از اسلام تعداد معدودی به جای مانده است و اغلب آنها در گذر حوادث تاریخی از بین رفته است؛ اما در دوره دوم، یعنی دوره اسلامی، هرچند در قرون اولیه، دوران فترت و خاموشی و فراموشی کوتاهی را تحمل کرد، با الهام از این مکتب الهی چنان پرورده شد که توانست در بخش وسیعی از آسیا، بویژه شبه قاره هند و پاکستان، منشأ تحولات عظیم گردد و به سرعت جای خود را در مقام زبان دوم جهان اسلام باز کند و با عظمت و توانمندی بالقوه، نقش تاریخی خود را در مناسبات فردی و اجتماعی در همه شئون زندگی، اعم از علمی، فکری، سیاسی، اجتماعی و ذوقی یک‌بار دیگر به نمایش بگذارد.

تألیف هزاران اثر علمی، تاریخی، ادبی، هنری، در ایران، شبه قاره هند و پاکستان و آسیای میانه و آسیای صغیر و... به زبان فارسی، تدوین کتابهای لغت فراوان فارسی درخصوص معرفی واژه‌های زبان فارسی، تألیف کتابهای دستور، کتابهای آموزش زبان فارسی و سرایش صدها منظومه و دیوان شعر، بیانگر عمق دلبردگی این زبان در میان گویشورانی است که در سراسر قلمرو نفوذ زبان فارسی، به ظرفیت والای این زبان پی برده، و برآورده شدن آمال و آرزوها و ماندگاری اندیشه‌های خویش را در نگاشتن به این زبان یافته‌اند.

«زبان فارسی بدون شک سند استقلال و قبالة بقای ملت ایران است، ولی نقشی که این زبان در طول تاریخ بشر ایفا کرده، و رسالت و پیامی که به جهان رسانده، به ایران محدود نمی‌شود. زبان فارسی تا قرن‌ها جوابگوی تمام احتیاجات علمی و ادبی و روحانی و ارتباطی یک سوم مردم جهان بوده است.»<sup>۱</sup>

۱. اظهر دهلوی، ع. و؛ تهیه و تدوین مواد تدریسی فارسی برای غیر فارسی زبانان؛ مجموعه سخنرانیهای مسائل زبان فارسی در هند و پاکستان و بنگلادش، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶، ص ۱۷۰.

## تاریخ زبان فارسی

زبان فارسی که یکی از زبانهای ایرانی است، از قدیمترین آثارِ بازمانده آن تا فارسی امروز، سه دوره تاریخی را گذرانده است. با توجه به آثار مکتوب این زبان از گذشته تا امروز، این سه دوره تاریخی عبارت است از:

### ۱. دوره باستان

از میان زبانهای متعدد ایران باستان، تنها از چهار زبان مادی، سکایی، اوستایی و فارسی باستان، آثاری به جای مانده است. از زبانهای مادی و سکایی تنها تعدادی اسامی در نوشته‌های فارسی باستان ذکر شده است و اثر مستقلی از آنها در دست نداریم.

زبان فارسی باستان، یکی از شاخه‌های زبانهای ایرانی کهن، و زبان ایرانی کهن نیز شاخه‌ای از زبانهای هند و ایرانی، و زبانهای هند و ایرانی نیز شاخه‌ای از زبانهای هند و اروپایی است.

خطی که برای نوشتن زبان فارسی باستان در کتیبه‌ها به کار می‌رفته، با توجه به شکل نوشتاری آن - که مانند میخ بوده است - به خط میخی شهرت یافته و در دوره هخامنشی رواج داشته است.

### ۲. دوره میانه

زبانهای حد فاصل فارسی باستان و فارسی امروز را «زبانهای دوره میانه» گفته‌اند. این زبان از دوره اشکانی (۲۵۰ ق.م) شروع شده و تا انقراض سلسله ساسانی (۶۵۱ م.) یعنی حدود هزار سال ادامه یافته است. زبانهای دوره میانه به دو گروه: ۱. زبانهای گروه شرقی، ۲. زبانهای گروه غربی تقسیم می‌شود.

الف) زبانهای گروه شرقی عبارت است از: سکایی، سُغدی، بلخی و خوارزمی؛

ب) زبانهای گروه غربی به دو گروه شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود:

زبانهای میانه شمالی غربی، زبان ایالت «پارت»؛ و زبانهای میانه جنوبی غربی، زبان ایالت «پارس» است. زبانهای ایرانی میانه غربی را «زبان پهلوی» گفته‌اند. در

دولت اشکانی زبان رسمی و رایج حکومت، همین زبان پهلوی بوده است؛ بنابراین زبان ایرانی میانه شمال غربی را «پهلوی اشکانی» گفته‌اند. پس از روی کارآمدن ساسانیان، زبان ایرانی میانه جنوب غربی با عنوان «پهلوی ساسانی» زبان رسمی و رایج آن حکومت قرار گرفت. تفاوت زبان پهلوی اشکانی و پهلوی ساسانی بسیار اندک و در حد اختلاف لهجه‌ای و آوایی است. از زبانهای ایالت پارت و پارس، آثار متنوع و متعدد فراوانی به جای مانده است. خط به کار رفته برای نوشته‌های متون فارسی میانه، به خط «پهلوی» شهرت یافته است.

### ۳. دوره جدید

زبانهای ایرانی دوره جدید به زبانهایی گفته می‌شود که پس از اسلام در قلمرو حکومت ایران رایج شده و تاکنون ادامه یافته است. این زبانها که صورت تحول یافته زبانهای دوره میانه است، امروز در پاره‌ای از مناطق کشورهای اطراف ایران گویشورانی دارد و جزو زبانهای زنده محسوب می‌شود. بعضی از مهمترین این زبانها عبارت است از: پشتو، تاجیکی، کُردی، آسی، یغناپی، مونجانی، ارموری، کومزاری، پامیری، بلوچی، تاتی، تالشی، گیلکی، طبری، لُری، بختیاری و....

### زبان دری

از میان زبانهای دوره جدید، دولت سامانی، فارسی دری را به عنوان زبان رسمی و ادبی پذیرفت؛ اگرچه پیش از سامانیان، یعنی در عصر یعقوب لیث صفاری اولین اشعار فارسی بدین زبان سروده شده بود.

پس از رسمیت یافتن فارسی دری، این زبان با حروف الفبای عربی نوشته شد و به سرعت در قلمرو حکومت سامانیان رواج یافت و از همان آغاز دهها شاعر و نویسنده ایرانی، بدین زبان و خط، به آفرینش آثار متعدد ادبی و علمی دست زدند و تاکنون به عنوان اصلی ترین عامل اتحاد ملی و رمز هویت ایرانی به سیطره معنوی خود ادامه داده است.

### زبان فارسی و اوضاع تاریخی - سیاسی ایران در آغاز ورود اسلام

پس از فروپاشی دولت مقتدر ساسانیان به دست سپاه اسلام طی چند جنگ معروفِ قادسیه (سال چهاردهم هجری)، جَلولاء (شانزدهم هجری)، نهاوند یا فتح‌الفتوح (بیست و یکم هجری)، یزدگرد سوم، آخرین حکمران ساسانی، فرار کرد و در مرو به دست آسیابانی کشته شد و بیشتر قلمرو حکومت ساسانیان به تصرف مسلمانان درآمد.

با روی کار آمدن اُمویان و عباسیان، سختگیریها و تعصب‌های قومی و نژادی نسبت به ایرانیان شروع شد و مسلمانان عرب کوشیدند دین و زبان و آیین و رسوم خود را در این کشور رواج دهند. می‌توان گفت پذیرش دین اسلام از جانب مردم ایران به سادگی صورت پذیرفت؛ اما تحمیل زبان و آداب و رسوم عربی با مقاومت‌هایی روبرو شد. زبان و خط پهلوی، پس از ورود اسلام به عنوان یکی از مظاهر ملی ایرانی از رسمیت افتاد و به دنبال آن، زبان و خط عربی (زبان قوم فاتح) در مقام زبان دینی - که یادگیری آن برای هر مسلمانی اجتناب‌ناپذیر بود - جایگزین آن شد. در دوایر و دفاتر حکومتی، خط عربی رواج یافت و طی چند نسل - که حدوداً دو قرن طول کشید - ایرانیان جز تعداد کمی، زبان و خط پهلوی را فراموش کردند. مردم هر ناحیه به گویش خاص خود سخن می‌گفتند و عموماً مکاتبات رسمی و تألیف کتابهای دینی و علمی و ادبی و... به خط و زبان عربی صورت می‌پذیرفت. زبان عربی بتدریج از مرز دربارها و امور دیوانی و حکومتی فراتر رفت و به مکتب و مدرسه و حتی کوچه و بازار و خانه‌های مردم نفوذ کرد. درست است که ایرانیان تحت سلطه زبان عربی قرار گرفتند؛ اما سرانجام حکام عرب ناچار شدند برای اداره ممالک گسترده تحت حاکمیت خویش، حتی در بعضی سرزمینهای عربی، ایرانیان را - که از سابقه حکومتی متمدن و درخشان و کهن برخوردار بودند - به کار گیرند و امور مهم دولتی خود را به آنان بسپارند. ایرانیان در موطن خویش نیز با پذیرش اسلام، در راه گسترش و ترویج و اعتلای آن کوشیدند و فصل جدیدی در تاریخ ایران به نام «دوره اسلامی» رقم خورد.

از همان آغاز ورود اسلام به ایران، قیامها و نهضت‌های چندی با انگیزه‌های دینی،



ملی و تشکیل دولت مستقل ایرانی رخ داد. بتدریج یکی از مهمترین قیامهای اجتماعی و ادبی ایرانیان با عنوان «شعوبیه» شروع شد. شعوبیان معتقد بودند رفتار و آداب عربهای مسلط بر اداره حکومت ایران، با آموزه‌های اسلام مطابقت ندارد و آنان بین عرب و عجم تبعیض و بی‌عدالتی قائلند؛ بنابراین از ابتدای قرن دوم هجری تا استقرار حکومت‌های ایرانی و رسمیت یافتن زبان فارسی در ایران، سخت مشغول تبلیغ افکار و عقاید خود بودند و در این میان، شاعران بزرگی از ایرانیان با افکار شعوبی برخاستند و اگرچه در دفاع از هویت خود به عربی شعر سرودند، زمینه‌ساز جنبش‌های نظامی و ظهور حکومت‌های نیمه مستقل و مستقل ایرانی شدند. زبان فارسی دری با روی کارآمدن حکومت‌های نیمه مستقل طاهریان و صفاریان از مشرق ایران طلوع کرد و پس از مدتی به زبان رسمی مردم ایران مبدل شد و نویسندگان با استفاده از الفبای عربی و تغییر مختصری در آن، به فارسی دری روی آوردند. به سبب طرفداری بنیانگذاران سلسله صفاری و سپس حمایت گسترده دولتهای سامانی و غزنوی از زبان فارسی، بتدریج شعر فارسی نیز اجازه ظهور و بروز یافت و شاعران و نویسندگان فارسی‌گو نهایت همت خویش را به کار بستند و آثار فراوانی بدین زبان آفریدند.

### حکومت‌های ایرانی پس از اسلام تا اواخر قرن ششم هجری و اوضاع ادبی هر دوره

#### طاهریان (۲۰۵-۲۵۹ هـ)

اولین گامها برای تأسیس دولت ایرانی را به طاهر بن حسین بن مصعب از اهالی پوشنگِ هرات نسبت می‌دهند. وی در جنگ مأمون و امین، فرزندان هارون الرشید خلیفه عباسی، فرماندهی سپاه مأمون را به عهده داشت و پس از پیروزی بر امین، در سال ۲۰۵ هجری به حکومت خراسان منصوب شد. طاهر پس از استقرار، در اقدامی شجاعانه، نام خلیفه عباسی را از خطبه انداخت. جانشینان طاهر تا سال ۲۵۹ هجری در خراسان حکومت کردند.

امیران طاهری دوستدار علم و ادب بودند و از شاعران و نویسندگان حمایت می‌کردند؛ اما شاید به دلیل فراغت نیافتن از جنگ و لشکرکشی و امور نظامی و

## ۱۰ □ شعر فارسی از آغاز تا قرن ششم هجری

حکومتی، چندان به فکر استقلال زبانی مردم ایران نبودند و حتی برخی تذکره‌نویسان اعتقاد آنان را به زبان فارسی، سست دانسته‌اند. به هر حال اولین شاعر پارسی‌گوی، یعنی حنظله بادغیسی در عصر طاهریان می‌زیسته است.

### صفاریان (۲۴۷-۲۹۹ هـ.)

یعقوب لیث صفاری مؤسس این سلسله، در سال ۲۴۷ هجری حکومت سیستان را در دست گرفت. منطقه سیستان در عصر عباسی مرکز مخالفان دولت عباسی بود؛ بویژه خوارج - سرسخت‌ترین دشمنان خلفای عباسی - موجبات نگرانی حکومت را فراهم کرده بودند. یعقوب لیث پس از پیروزی بر خوارج، از حمایت بیشتر معتمد، خلیفه عباسی، برخوردار گردید و قلمرو حکومتش توسعه یافت. وی در سال ۲۵۹ هجری بر آخرین امیر طاهری پیروز شد و بر امارت آنان خاتمه داد. یعقوب به قصد برانداختن خلیفه عباسی به واسط لشکر کشید و شکست خورد و در سال ۲۶۵ هـ درگذشت. پس از یعقوب، برادرش عمرو به حکومت رسید؛ اما سرانجام از اسماعیل بن احمد سامانی شکست خورد و به اسارت درآمد و در ۲۸۹ هـ در زندان بغداد درگذشت و حکومت صفاری رو به نابودی نهاد. جانشینان عمرو تا سال ۲۹۹ هجری به صورت محدود بر برخی نواحی سیستان حکومت داشتند.

در دوره صفاری نیز به دلیل علاقه یعقوب و جانشینانش به امور سیاسی و توسعه قلمرو متصرفاتشان، علم و ادب چندان مجال توسعه نیافت. مؤلف «تاریخ سیستان»، محمد بن وصیف سگزی را نخستین شاعری می‌داند که به شعر فارسی، یعقوب لیث را مدح کرده است. او می‌گوید: شاعران دربار یعقوب پس از پیروزی وی (یعقوب) بر عمّار خارجی و کشتن او، به شعر عربی یعقوب را ستودند؛ اما چون یعقوب عربی نمی‌دانست، گفت «چیزی که من اندر نیابم، چرا باید گفت؟». محمد بن وصیف - که دبیر رسایل او بود - به شعر فارسی او را ستود. اغلب مُمورخان و تذکره‌نویسان به استناد همین سخن یعقوب، او را مؤسس و بانی زبان دری، و محمد بن وصیف را اولین شاعر رسمی زبان دری می‌دانند.

شاعران این دوره عبارتند از: حنظله بادغیسی، محمد بن وصیف سگزی، بسام کورد، محمد بن مخلد، محمود وراق هروی، ابوسلیک گرگانی، فیروز مشرقی.

### سامانیان (۲۸۹-۳۹۵ هـ)

اسماعیل بن احمد پس از شکست دادن عمرولیث در سال ۲۸۹ هـ، دولت سامانیان را بنیاد نهاد. حکومت سامانیان تا اواخر قرن چهارم یعنی سال ۳۹۵ هـ با فرمانروایی نُه تن از جانشینان اسماعیل ادامه یافت. امرای سامانی با انتخاب شهر بخارا به عنوان مرکز حکومت، نزدیک به صد سال بر قسمت اعظمی از ایران از جمله سیستان، کرمان، گرگان، طبرستان، ری و... فرمان راندند؛ اما با نفوذ غلامان ترک و قدرت یافتن آنها در دستگاه حکومتی و اختلاف در خاندان سامانی، زمینه روی کار آمدن ترکان غزنوی و فروپاشی حکومت سامانی هموار شد.

حمایت خاندان سامانی از شاعران و نویسندگان فارسی‌گو و تأسیس کتابخانه‌های بزرگ و بنای مدارس علمی و رواج نهضت ترجمه از عربی به فارسی، نقش عظیمی در رواج و گسترش زبان فارسی در این عصر داشته است و بخارا پایتخت سامانیان، مجمع تعداد زیادی از دانشمندان، شاعران و نویسندگان شده بود؛ در نتیجه شمار سخن‌سرایان فارسی افزایش یافت؛ چنانکه عوفی در «لباب‌الالباب» از ۲۷ شاعر عصر سامانی یاد کرده است. شاعرانی مانند رودکی، کسایی، دقیقی، شهید بلخی، رابعه کعب قُزداری، مُنجیک ترمذی و ده‌ها شاعر دیگر در این عصر بالیده‌اند. فردوسی شاعر حماسه‌سرای بزرگ ایران و جهان نیز سرایش شاهنامه را در این عصر شروع کرده است.

### غزنویان (۳۸۷-۵۸۳ هـ)

پس از نفوذ ترکان غزنوی به دربار سامانی، اَلبَتگین به سپهسالاری خراسان رسید و شهر غزنه را تصرف کرد. دامادش سَبُکتگین قلمرو متصرفات او را گسترش داد و در نهایت با انقراض دولت سامانی در ۳۹۸ هـ، محمود غزنوی خراسان را تسخیر کرد و پایه‌های حکومت غزنویان را استحکام بخشید. محمود (۳۸۷-۴۲۱ هـ) مقتدرترین و به عبارتی اصلی‌ترین پایه‌گذار حکومت غزنویان بود که پس از روی کار آمدن، با حمایت کامل خلفای عباسی دامنه متصرفات خود را روز به روز گسترش داد و با لشکرکشی به هند و غارت معابد بودایی، به ثروت و مُکنت و

## ۱۲ □ شعر فارسی از آغاز تا قرن ششم هجری

محبوبیت خاصی نزد خلیفه رسید. غزنویان از ۳۸۷ تا ۵۸۳ ه.؛ یعنی مرگ ملک خسرو، آخرین بازمانده غزنوی، حکومت کردند. تجمع تعداد زیادی از شاعران و نویسندگان و دانشمندان علوم مختلف در غزنه براساس سیاستهای حکام غزنوی، زمینه رشد و گسترش زبان و ادبیات فارسی و سایر علوم متداول آن عصر را فراهم کرد. شاعران و نویسندگان و عالمان بزرگی که پرورده دوره غزنوی بودند و یا حتی با دربار غزنوی مخالف و از آن گریزان بودند، در این دوره آثار خود را عرضه کردند و به عنوان نویسندگان و شاعران عصر غزنوی قلمداد شدند که از آن جمله می‌توان به ابن سینا، ابوریحان بیرونی، ابوسهل مسیحی، فردوسی، عنصری، فرخی، منوچهری، عسجدی، لیبی، و ده‌ها شاعر دیگر اشاره کرد - که در ادامه از احوال و آثار و نمونه شعری بعضی از آنها اطلاع خواهیم یافت.

### حکومت‌های محلی

در عصر سامانیان و غزنویان، حکومت‌های محلی چندی مانند چغانیان، مأمونیان، آل محتاج، سیمجوریان، آل عراق، امرای طبرستان (علویان طبرستان)، آل زیار (دیالمه) و آل بویه نیز حکم می‌راندند که بعضی از آنان از جمله آل بویه، در مقایسه با دیگران از اقتدار و قلمرو وسیعتری برخوردار بودند.

در دربارهای کوچک این حکومت‌های محلی نیز تعدادی شاعر در رفاه نسبی می‌زیسته‌اند. بعلاوه، به دلایلی چون فروپاشی حکومت‌های بزرگ سامانی و غزنوی و نیز اختلاف با بزرگان حکومتی، گاه شاعران بزرگ نیز به دربار اینان پناهنده می‌شدند و چه بسا امرای محلی، آنان را با اشتیاق می‌پذیرفتند و زمینه‌های رشد و رفاه آنها را فراهم می‌کردند.